عکس از رضا سعیدی پور

مجازات آسان‌گیری

یک قانون نانوشته می‌گوید، بازی با ته جدولی‌ها دشوارتر از مدعیان است. تیم‌هایی که چیزی برای از دست دادن ندارند و با تمام وجود برای بقا می‌جنگند، آنها که در برابر تیم‌های مدعی با چنگ و دندان به میدان می‌روند و پا پس نمی‌کشند. استقلال برابر یک ته جدولی مجازات شد چون بازی را آسان گرفت و زمانی بازی را جدی گرفت که دیگر کار از کار گذشته بود. پرونده امروز شکست تلخ استقلال را بررسی می‌کند.

یک غافلگیری بزرگ در سیرجان

استقلال، قربانی جنگ شمارگان

سام ستارزاده

۱

در هفت سالی که از آخرین قهرمانی پسران آبی در لیگ می‌گذرد، استقلال این فصل را می‌توان از دید فنی منسجم‌ترین تیم دانست؛ تیمی که تا انتهای زمستان را با دو کادر فنی محبوب و بازیکنانی که مهارتشان در معناکردن تعصب و تعهد را نشان دادند اما به همین میزان کیفیت عوامل فنی استقلال، برگزیده‌های متعدد وزارت ورزش برای اداره این باشگاه در یک سال اخیر خواسته یا ناخواسته جز سنگ‌ریزه‌هایی در مسیر رویای آبی‌ها نبوده‌اند.

گویا این نوشتن‌ها سودی ندارند. یک سالی است که در هر نشریه‌ای می‌توان نقدی بر این هرج و مرج بی‌سابقه مدیریت باشگاه یافت. هر قلمی سعی می‌کند انعکاس صدای نارضایتی هوادار، بازیکن، مربی و حتی سرپرست استقلال باشد از جنگ ملالت‌آور افرادی که عنوان رئیس و مدیر را در اردوگاه آبی‌ها یدک می‌کشند. شاید قلم‌هایی به نفع شخص الف، شخص ب را هدف بگیرند و یا بالعکس اما در این بازی باخت - باخت، این ساختمان سعادت‌آباد است که تیرباران می‌شود. نه‌تنها هر که در آن ساختمان بنشیند می‌بازد، بلکه لوگوی استقلال نیز آنجا امن نیست و گاهی حتی خطر به حراج گذاشته شدن را نیز حس می‌کند.

گل‌گهر آماده این روزها، نماینده شایسته سیرجان که با سپری کردن یک نقل‌وانتقالات حساب‌شده در نیم‌فصل دوم متحول شده، روی گلی که دو خرید جدیدش ساختند استقلال را شکست داد تا هم خودش از قعر جدول کنده شود و هم آبی‌ها در همین ایستگاه بیست‌ویکم از صدرنشینی لیگ ناامید باشند. به این شکست شاید بتوان تا حدی فنی نگاه کرد. اگر فقط ۹۰ دقیقه‌ای که بازی در جریان بود را بررسی کنیم، از سرعت پایین نیکولای بودوروف، موقعیت‌سوزی‌های ارسلان مطهری و اثرات خستگی که در ساق‌های شاگردان فرهاد مجیدی به وضوح دیده می‌شدند می‌توان نوشت.

ولی مشکل استقلال ریشه‌ای‌تر از این تحلیل‌های فنی ارزنده است و مستقیماً به افرادی بازمی‌گردد که مدت‌هاست جلوی دوربین‌ها و میکروفون‌ها سنگ هواداری را بر سینه می‌کوبند. همین سوءمدیریت‌ها در آستانه آسان‌ترین دیدارهای فصل استقلال (حداقل روی کاغذ) موجب شد آبی‌های پایتخت هشت امتیاز را به رایگان میان رقبایشان تقسیم کنند؛ هشت امتیازی که می‌توانست جای پایشان را در کورس کسب عنوان سفت نگاه دارد. از میان مدعیان صندلی بزرگ مدیریت عامل باشگاه، ردپای چه کسی به کرمان برده نشده است؟

یکی که مسئول فسخ قرارداد آندره آ استراماچونی با استقلال است، دست مجیدی و بازیکنانش را از زمین تمرین این فصل‌شان کوتاه گذاشت. دیگری در آستانه پرواز آبی‌پوشان به سیرجان خودمختارانه اعلام کرد که استقلال برای بازی به شهر مقصد نمی‌رود. نفر سوم در میان عاشقانه‌های کسل‌کننده‌اش برای هواداران یک متن خداحافظی می‌نویسد، تمام هزینه‌هایش برای استقلال و به نام همین هوادار را بازخواست می‌کند و نفر قبلی را به خیانت در پرونده بازگشت استراماچونی متهم می‌کند. نفر چهارم در اینستاگرام استعفا می‌دهد و با نفر قبلی بگومگو می‌کند.

در چنین شرایطی، اصلاً چرا باید اسم این افراد را بدانیم؟ اگر با همین شماره‌ها آنها را صدا کنیم چه فرقی می‌کند؟ چه کسی گفت سفر بی‌سفر؟ چه کسی تیم را با پرواز به سیرجان فرستاد؟ وقتی همین استقلالی‌ها ساعت‌ها در فرودگاه - که این روزها از آلوده‌ترین اماکن از حیث انتشار ویروس کرونا به شمار می‌رود - سرگردان شدند، چه کسی حتی برای یک ثانیه دست از جدال با سایر اعداد کشید و به فکر حل مشکل آبی‌ها افتاد؟

تمرین‌نکردن و طولانی‌شدن سفر، تنها مشکلات پیش‌روی استقلال در این فصل نبودند. کسی هم نیست که گمان ببرد آخرین مشکلات آنها در این فصل خواهند بود. لیست کردن معضلات هم گرهی را باز نمی‌کند.

اگر مدیران حال حاضر استقلال تمایل و یا توانایی برای حل این مشکلات را ندارند، چه لزومی دارد آنها را با اسم بشناسیم؟ بگذارید ناخواسته بر شهرت و محبوبیت چنین افرادی نیفزاییم و در کمال احترام، آنها را با شماره‌های یک، دو، سه، ... بشناسیم؛ شماره‌هایی که هریک خود را پاسخ معادله پیچیده وضعیت آشفته ساختمان سعادت‌آباد می‌دانند. گویا این شماره‌ها بلیت‌های بخت‌آزمایی هستند که در نهایت یکی از آنها برنده یک دستگاه صندلی طبی می‌شود (برفرض شماره ۴).

استقلال برای بردن بازی نکرد، برای بازی بازی کرد

چرا از بهترین فوتبال بهترین نتیجه ظاهر نشد؟

مازیار حکمت

۲

استقلال می‌تواند درباره پنالتی بربادرفته در بازی با گل‌گهر حرف بزند، مهم‌تر اینکه می‌تواند از بازی خوبش لذت برده باشد، می‌تواند طبق حرف‌های فرهاد مجیدی درباره بهترین بازی‌اش در دوره مربیگری فرهاد فکر کند اما در کنار تمام اینها چرایی شکست مقابل گل‌گهر نباید گم شود.

فرهاد مجیدی گفته: «طبیعی است که به خاطر شکست خوشحال نباشیم و از هواداران‌مان بابت این نتیجه عذرخواهی می‌کنم. با این حال از روزی که من سرمربی استقلال شدم این باکیفیت‌ترین بازی بود که انجام دادیم. مالکیت توپ ۷۰ درصد، دادن ۵۰۰ پاس و ایجاد ۸ موقعیت گل در زمین خراب سیرجان نشان می‌دهد ما چقدر باکیفیت بازی کردیم. من قبل از تمرین هم از همه بچه‌ها تشکر کردم به خاطر تلاش‌شان و بازی‌ای که ارائه کردند. به هرحال فوتبال است، یک روز توپ‌ها گل می‌شود و یک روز وارد دروازه نمی‌شود، ما بدشانس بودیم و به هیچ عنوان لایق شکست نبودیم. این دلیل نمی‌شود روی ایرادهای خود کار نکنیم و ضعف‌های خود را برطرف نکنیم اما نسبت به بازی‌های قبلی خیلی بهتر و با کیفیت‌تر بازی کردیم.»

استقلال چاره‌ای ندارد جز نگاه به آینده، به آینده‌ای که زود از راه می‌رسد و استقلال دیگر جان باختن ندارد

آخرین جملات مجیدی مهم‌ترین جملات اوست و یکی از مشکلات استقلال شاید این بود که مقابل گل‌گهر باور داشت که پیروزی دشوار نیست. استقلال فوتبال باکیفیتی ارائه کرد اما در اوج این کیفیت از پیروزی غافل بود، از تمام کردن کار غافل بود و این خود غفلت کمی نیست.

تیمی که فوتبال خوبی بازی می‌کند، باید فوتبالش را به نتیجه خوب پیوند بزند. مجیدی حتماً می‌داند که فوتبال با هر کیفیتی آخرش باید به نتیجه خوب تبدیل شود. فوتبال را با کیفیت بازی نمی‌کنند که ببازند، بلکه با کیفیت بالاتر کوشش می‌کنند به پیروزی بزرگ‌تر برسند.

استقلال چاره‌ای ندارد جز حفظ روحیه برای اینکه هنوز خود را صاحب شانس بازگشت به کورس بداند. بله، این دشوار است اما یک تیم هرگز نباید خودش را ببازد. فرهاد مجیدی شاید از همین منظر بعد از شکست در سیرجان از تیمش تمجید می‌کند، او نمی‌خواهد به تیمش تشر بزند، بلکه می‌خواهد شانس موفقیت‌های بعدی را زنده نگه دارد. این کوشش حتماً برای استقلال لازم است.

استقلال سفر سختی به سیرجان داشت. استرس بازی با خطر کرونا هم که هر دو تیم را و همه تیم‌های دیگر را فراگرفته است. استقلال تا صبح روز حرکتش به سمت سیرجان نمی‌دانست که به این سفر می‌رود یا نه. همین نکات می‌تواند تمرکز تیم را برهم بزند. خلیل‌زاده اگر تجربه بیشتری در فوتبال داشت، تیمش را تا مرز انصراف از بازی پیش نمی‌برد و دچار اضطراب نمی‌کرد.

همه اینها گذشته و استقلال چاره‌ای ندارد جز نگاه به آینده، به آینده‌ای که زود و هر هفته از راه می‌رسد و استقلال دیگر جان باختن ندارد.